

# جلریز قربانی نگاه قومی نخبگان سیاسی

علی قادری



روزی پنجشنبه آغاز درگیری نیروهای امنیتی کشور با گروه های تندرو و دهشت افکن طالب در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردگ بود. نیروهای امنیتی در حدود ۲۰ ساعت در برابر گروه دهشت افکن طالب مقاومت کردند که در نتیجه بیش از ۲۲ تن از نیروهای امنیتی کشور کشته شدند. این تعداد نیروهای امنیتی کشور زغالی کشته شدند که آن ها در حدود بیست و چهار ساعت از سوی گروه طالبان محاصره شده بودند. این رویداد واکنش های زیادی در فضای مجازی در پی داشت. همچنین رویداد دهشت ناگ در جلریز منجر به شکل گیری تظاهرات در پایتخت و ولایت بامیان شد. می توان گفت که این حادثه دردناک ترین رویداد امنیتی در ماه های اخیر در افغانستان بود. اما چند نکته در باب این رویداد وجود دارد که باید متذکر شد.

اول: نیروهای امنیتی در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردگ بیش از ۲۴ ساعت محاصره شدند. نیروهای امنیتی به مرکز ولایت میدان وردگ و در کابل در تماس می شود ولی هیچ یک از مقامات به درخواست کمک آن ها پاسخ نمی دهد. این مسئله بیانگر چیست؟ در نگاه اول شاید این مسئله به ذهن تبادر نماید که مقامات بلند پایه محاصره شدن و درگیری نیروهای امنیتی با گروه طالبان را امری ساده و دور از خطر می پندارد اما، مسئله اندکی پیچیده است.

اگر مدت زمانی محاصره شدن نیروهای امنیتی بازه زمانی کمتری را در بر می گرفت، می توان گفت که درگیری و محاصره شدن با محاسبه مقامات ولایت میدان وردگ و کابل تهدید جدی محسوب نمی شد. اما محاصره به ۲۴ ساعت رسیده بود. این نشان می دهد که در پشت این رویداد دست های پنهان وجود داشته است. اولین مسئله این است که مقامات ولایت میدان وردگ با گروه طالبان دست داشته است و به عمد به نیروهای امنیتی کمک ننموده است. دلیلش این است که پوسته های که در دست گروه های قومی پشتون بودند، به آسانی رها می شود و هیچ مقاومت صورت نمی گیرد. گفته می

شود که در زمان محاصره نیروهای امنیتی کشور، شماره تلفن قومندان ولایت میدان وردگ خاموش شده است. این دو مسئله می تواند دلیل بر رابطه قومندان میدان وردگ با گروه طالبان باشد. مسئله اما، به همین جا ختم نمی شود، قومندان ولایت میدان وردگ از کابل دستوری می گیرد. او موظف است تا دستورات مقامات پایتخت را اجرا نماید. وقتی پاسخ از پایتخت کشور صادر نمی شود، نشان می دهد که مسئله پیچیده است و مقامات امنیتی در پایتخت نیز با گروه طالبان همدست بوده اند. بنابراین، حمله بر ولایت جلریز ولایت میدان وردگ سازماندهی شده بوده است.

دوم: در میدان پاسخ ها به این رویداد واکنش مجلس نمایندگان تا اندازه معقول بوده است. اگر چه، گزارش های از عملکرد سودجویانه و مبنی بر معاملات پولی میان مجلس نمایندگان و قوه مجریه مطرح است. اما این بار، مجلس نمایندگان معصوم استانکزی کاندید وزارت دفاع را رد صلاحیت می کند. رد صلاحیت شدن وزیر دفاع به خاطر عملکرد بد این نهاد عقلا

محقق، معاون دوم ریاست اجراییه را مطرح نموده است. در مورد فحش و ناسزاگویی مردم به اشرف غنی و عبدالله عبدالله کاری غیر معقول است. زیرا، در هیچ جای دنیا فحش کاری رهگشا نبوده و نخواهد بود. استعفای دو نماینده هزاره در پست های مهم حکومت وحدت ملی نیز کاری عاقلانه نیست واقعت این است که هزاره ها می توانند خارج از چارچوب حکومت نفی بکشند. خارج شدن از چارچوب حکومت به معنی دشمن تراشیدن حکومت با خود است. این مسئله در وضعیت کنونی هزاره ها، امری غیر عقلانی است. هزاره ها در وضعیت کنونی قادر به مقابله با گروه طالبان و داعش نیست، چگونه می تواند در برابر سه دشمن (طالبان، داعش و حکومت مرکزی) مقاومت و ایستادگی نماید؟ این جهت، خواست مردم در شبکه های اجتماعی مبنی بر استعفا نمودن دانش و محقق معقول نیست. به جای لازم است

محقق، معاون دوم ریاست اجراییه را مطرح نموده است. در مورد فحش و ناسزاگویی مردم به اشرف غنی و عبدالله عبدالله کاری غیر معقول است. زیرا، در هیچ جای دنیا فحش کاری رهگشا نبوده و نخواهد بود. استعفای دو نماینده هزاره در پست های مهم حکومت وحدت ملی نیز کاری عاقلانه نیست واقعت این است که هزاره ها می توانند خارج از چارچوب حکومت نفی بکشند. خارج شدن از چارچوب حکومت به معنی دشمن تراشیدن حکومت با خود است. این مسئله در وضعیت کنونی هزاره ها، امری غیر عقلانی است. هزاره ها در وضعیت کنونی قادر به مقابله با گروه طالبان و داعش نیست، چگونه می تواند در برابر سه دشمن (طالبان، داعش و حکومت مرکزی) مقاومت و ایستادگی نماید؟ این جهت، خواست مردم در شبکه های اجتماعی مبنی بر استعفا نمودن دانش و محقق معقول نیست. به جای لازم است

اگر مدت زمانی محاصره شدن نیروهای امنیتی بازه زمانی کمتری را در بر می گرفت، می توان گفت که درگیری و محاصره شدن با محاسبه مقامات ولایت میدان وردگ و کابل تهدید جدی محسوب نمی شد. اما محاصره به ۲۴ ساعت رسیده بود. این نشان می دهد که در پشت این رویداد دست های پنهان وجود داشته است. اولین مسئله این است که مقامات ولایت میدان وردگ با گروه طالبان دست داشته است و به عمد به نیروهای امنیتی کمک ننموده است. دلیلش این است که پوسته های که در دست گروه های قومی پشتون بودند، به آسانی رها می شود و هیچ مقاومت صورت نمی گیرد. گفته می

شود که در زمان محاصره نیروهای امنیتی کشور، شماره تلفن قومندان ولایت میدان وردگ خاموش شده است. این دو مسئله می تواند دلیل بر رابطه قومندان میدان وردگ با گروه طالبان باشد. مسئله اما، به همین جا ختم نمی شود، قومندان ولایت میدان وردگ از کابل دستوری می گیرد. او موظف است تا دستورات مقامات پایتخت را اجرا نماید. وقتی پاسخ از پایتخت کشور صادر نمی شود، نشان می دهد که مسئله پیچیده است و مقامات امنیتی در پایتخت نیز با گروه طالبان همدست بوده اند. بنابراین، حمله بر ولایت جلریز ولایت میدان وردگ سازماندهی شده بوده است.

## سرمقاله آب به آسیاب دشمن نریزیم

حفیظ الله زکی

رویداد تلخ و غمبار جلریز پرسش هایی زیادی را در نزد شهروندان خلق کرد. در این پرسش ها از تباخی نیروهای امنیتی با مخالفان مسلح تا بی توجهی مقامات امنیتی و محلی در فرستادن نیروی کمکی به موقع سخن گفته می شود. این که برخی از پسته های پولیس همکاری لازم را نداشته اند و این که کمک ها به موقع نرسیده و این که مردم محل نیز به گونه ای با طالبان همکاری داشته اند، همه نشان این است که یک توطیه از پیش طراحی شده به منظور تفرقه افگنی و تشدید نفاق قومی در این منطقه در جریان بوده است و کشتار بیرحمانه نیروهای دلیر و شجاع هزاره که دقیقاً آگاهانه و بر مبنای تفکیک قومی صورت گرفته است، جز این نمی تواند باشد که تروریستان در مرحله اول بیشتر از این نیروها هراس داشته اند و آنها را دشمنان سرسخت و انعطاف پذیر خود می دانستند و در مرحله بعد با کشتار بیرحمانه این نیروها خواسته اند، احساسات قومی را در میان مردم افغانستان شدت بخشد. پروسه گروگانگیری های زابل- غزنی نیز در همین چارچوب تحلیل می شود.

وقتی از میان همه مسافران تنها افرادی به گروگان گرفته می شود که به تبار خاص تعلق دارند، دیگر نمی توان گفت که انگیزه های قومی و فرقه ای در پشت این فضا یا وجود ندارد. در جلریز نیز عصبیت های قومی بسیار برجسته و خشن به نمایش در آمد. در این قضیه نه تنها طالبان و هراس افکنان که نیروهای امنیتی مربوط به سایر اقوام در منطقه و حتا مردم هادی آن ساحه به گونه ای در خلق این جنایت ضد بشری نقش ایفا کردند.

اگر طالبان و یا هر گروه تروریستی دیگر بر پوسته های پولیس حمله می کنند و گاهی موفق می شوند که پوسته ها را به تصرف خود در بیاورند و نیروهای امنیتی را به قتل برسانند، در اینجا ضعف ها و کاستی هایی که در نیروهای امنیتی موجود بوده بررسی می شود و تاکتیک های دشمن مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند و از آن واقعه برای آینده درس می گیرند. اما فراتر از آن مساله ای مطرح نمی شود.

در طی چهارده سال گذشته صدها تن از نیروهای امنیتی مربوط به قوم هزاره در جای جای این وطن برای دفاع از سرزمین و مردم خود کشته شده اند. اما هزاره ها و حتا خانواده های آنها بسیار با افتخار و سربلندی از جانفشانی های سربازان شان تجلیل کرده اند و هیچ علامت سؤالی را متوجه حکومت نکرده اند.

ولی مورد جلریز و گروگانگیری های زابل و غزنی دارای ویژگی هایی است که ماهیت پلید و خطرناک یک توطیه شوم و نفاق افکنانه را بر ملا می سازد. از اینرو نه تنها هزاره ها که کل شهروندان افغانستان باید برابر این دسیسه خطرناک که وحدت، همبستگی و برادری مردم افغانستان را هدف قرار می دهند، ایستادگی کرده و با محکومیت این گونه اعمال جنایتکارانه، بیش از پیش با کتله های آسیب دیده همدردی و همکاری نمایند. وقتی دشمن وحدت و همدلی ما را هدف می گیرند، مشخصی است که آنها از همین ناحیه بیشتر نگرانی دارند و آن را مایه ناکامی می دانند.

پس زمانی که دشمنان با طرح های نفاق افکنانه و تفرقه آمیز می خواهند همبستگی مردم ما را از بین ببرند؛ وظیفه همه ما ایجاب می کنند که در برابر این توطیه ها، صرف نظر از تعلقات قومی، سیبج شویم و به دشمن نشان دهیم که پلان های خاینانه آنها نمی تواند به پیوندهای عمیق تاریخی و اجتماعی ما آسیب برساند. متأسفانه رویدادهای اخیر نشان می دهد که مردم ما تا هنوز نمی توانند فراتر از چوکت تنگ قومی اندیشه کنند. بنابراین مساله گروگانگیری نه یک معضل ملی که مشکل خاص هزاره ها پنداشته می شود و درد و غم واقعه دلخراش جلریز هم تنها هزاره ها را تکان می دهد. برآیند این روحیه واگرایانه شهروندان نسبت به فضایی ملی، دقیقاً همان چیزی خواهد بود که دشمنان مردم افغانستان آن را از خلق این گونه رویدادها انتظار می کشند.

وحدت ملی باید این نکته را به خاطر داشته باشد که بدون وجود هزاره ها در ساختار حکومت وحدت ملی مشروعیت حکومت شان زیر سوال می رود و حکومت شان سقوط می کند. از این خاطر، بهتر است که این دو نگاه و رویکرد قومی خود را کنار بگذارند.

پنجم: این رویداد نشان داد که ما برای ملت شدن به تکرار ناکام تجربه گذشته خود برمی گردیم. کاری که عبدالرحمن برای دولت سازی و ملت سازی انجام داد. همان طور که تجربه عبدالرحمن خان در فرایند دولت و ملت سازی ناکام ماند، تکرار تجربه او، بدون شک، در عصر حاضر ناکام خواهد شد. از این جهت، بهتر است که گذشته به یاد بیاوریم و با یادآوری گذشته راهکار جدیدی برای آینده در نظر بگیریم. مانند در گذشته تاریخی خونبار به سود هیچ یک از گروه اجتماعی افغانستان نیست.

محقق، معاون دوم ریاست اجراییه را مطرح نموده است. در مورد فحش و ناسزاگویی مردم به اشرف غنی و عبدالله عبدالله کاری غیر معقول است. زیرا، در هیچ جای دنیا فحش کاری رهگشا نبوده و نخواهد بود. استعفای دو نماینده هزاره در پست های مهم حکومت وحدت ملی نیز کاری عاقلانه نیست واقعت این است که هزاره ها می توانند خارج از چارچوب حکومت نفی بکشند. خارج شدن از چارچوب حکومت به معنی دشمن تراشیدن حکومت با خود است. این مسئله در وضعیت کنونی هزاره ها، امری غیر عقلانی است. هزاره ها در وضعیت کنونی قادر به مقابله با گروه طالبان و داعش نیست، چگونه می تواند در برابر سه دشمن (طالبان، داعش و حکومت مرکزی) مقاومت و ایستادگی نماید؟ این جهت، خواست مردم در شبکه های اجتماعی مبنی بر استعفا نمودن دانش و محقق معقول نیست. به جای لازم است

اگر مدت زمانی محاصره شدن نیروهای امنیتی بازه زمانی کمتری را در بر می گرفت، می توان گفت که درگیری و محاصره شدن با محاسبه مقامات ولایت میدان وردگ و کابل تهدید جدی محسوب نمی شد. اما محاصره به ۲۴ ساعت رسیده بود. این نشان می دهد که در پشت این رویداد دست های پنهان وجود داشته است. اولین مسئله این است که مقامات ولایت میدان وردگ با گروه طالبان دست داشته است و به عمد به نیروهای امنیتی کمک ننموده است. دلیلش این است که پوسته های که در دست گروه های قومی پشتون بودند، به آسانی رها می شود و هیچ مقاومت صورت نمی گیرد. گفته می

شود که در زمان محاصره نیروهای امنیتی کشور، شماره تلفن قومندان ولایت میدان وردگ خاموش شده است. این دو مسئله می تواند دلیل بر رابطه قومندان میدان وردگ با گروه طالبان باشد. مسئله اما، به همین جا ختم نمی شود، قومندان ولایت میدان وردگ از کابل دستوری می گیرد. او موظف است تا دستورات مقامات پایتخت را اجرا نماید. وقتی پاسخ از پایتخت کشور صادر نمی شود، نشان می دهد که مسئله پیچیده است و مقامات امنیتی در پایتخت نیز با گروه طالبان همدست بوده اند. بنابراین، حمله بر ولایت جلریز ولایت میدان وردگ سازماندهی شده بوده است.

# ضرورت تفاهم زودهنگام بر سر معرفی نامزد وزارت دفاع

عبدالرحمن قهیمنی

کمی و پشتیبان ازماء نشد. سربازان پولیس محلی با امکانات در دست داشته به محاصره کامل طالبان در آمده و تا آخرین رمی های در اختیار داشته جنگیدند و کشته شدند. بدون تردید، نا هم آهنگی از اثر نبود مدیر ارشد در یک سازمان صورت می گیرد.

جنگ های چریکی و غافلگیرانه می زد، اکنون در جبهه های کلان در برابر نیروهای دولتی موضع گرفته و قادر می شود که ولسوالی ها را تصرف کرده و در برخی مناطق ضمن تصرف استحکامات نظامی دست به آفرینش فاجعه های کلان انسانی بزند. ولسوالی های ولایت بدخشان و کندز، هر روز دست بدست می شود. گاهی در دست نیروهای دولتی است و گاهی هم بدست طالبان می افتد. چندی قبل در بدخشان ضمن تصرف مواضع نیروهای دولتی و به غنیمت گرفتن تجهیزات آن ها، سربازان را به گونه فجیع کشت و سر آن ها برید.

شورای عالی صلح در حکومت کوزی، یکی از چهره های بارز آن بوده و همواره به عنوان چهره مؤثر یاد می شد. به یک بارگی همه را ششوک کرد. کسی که سال ها در بخش صلح و گفت و گو سیاسی با گروه طالبان تلاش کرده و مطرح شده است، ناگهانی از وادی نبرد و نظامی گری سر بر می آورد. جای بسی تعجب و شگفتی خواهد بود.

تصرف و اشغال را داشته باشند. این صورت، پس از نظم و مستقالبایی که دولت ها همه متحد به حرمت نهادن به سرزمین و تمامیت ارضی و نیز حاکمیت ملی همدیگر شده اند، کاربرد واژه دفاع بیشتر منطقی می نماید تا جنگ. یعنی سازمان نظامی کلان به نام ارتش ملی در یک کشور، فقط و فقط به منظور دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تشکیل شده است.

آقای معصوم استانکزی، نامزد وزیر وزارت دفاع ملی، برای بار دوم از مجلس نمایندگان رد صلاحیت شده و نتوانست به کرسی این وزارت تکیه زند.



در این صورت تا هم آهنگی در وزارت دفاع و واحدهای ارتش ممکن است به سوء مدیریت رییس جمهور و رییس اجرایی برگردد، اما نبود وزیر نیز سهم گسترده خواهد داشت.

در کندز نیز تلفات سنگین به نیروهای نظامی دولتی وارد گردید و در واپسین روزهای هفته قبل، پوسته های پولیس محلی را در دره میدان آماج قرار داده و فاجعه آفریدند.

تصرف و اشغال را داشته باشند. این صورت، پس از نظم و مستقالبایی که دولت ها همه متحد به حرمت نهادن به سرزمین و تمامیت ارضی و نیز حاکمیت ملی همدیگر شده اند، کاربرد واژه دفاع بیشتر منطقی می نماید تا جنگ. یعنی سازمان نظامی کلان به نام ارتش ملی در یک کشور، فقط و فقط به منظور دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تشکیل شده است.

آقای معصوم استانکزی، نامزد وزیر وزارت دفاع ملی، برای بار دوم از مجلس نمایندگان رد صلاحیت شده و نتوانست به کرسی این وزارت تکیه زند.

پیش از این آقای شیر محمد کریمی قبل رییس ستاد ارتش ملی نیز نتوانسته بود رای اعتماد نمایندگان مجلس را کسب نماید. در این جا طرح یک نکته خالی از فایده نخواهد بود و آن هم این که برخی از دوستان رسانه ای در گزارش ها و نوشته های تحلیلی خود شان، وزارت دفاع را وزارت جنگ می خوانند. به نظر می رسد که کاربرد این واژه دقیق نیست. وزارت جنگ در چهارچوب ادبیات سیاسی گفته می شود که دولت ها به مرزهای سیاسی و حاکمیت ملی همدیگر احترام قابل نشده و هر آن هوای

در این صورت تا هم آهنگی در وزارت دفاع و واحدهای ارتش ممکن است به سوء مدیریت رییس جمهور و رییس اجرایی برگردد، اما نبود وزیر نیز سهم گسترده خواهد داشت.

در کندز نیز تلفات سنگین به نیروهای نظامی دولتی وارد گردید و در واپسین روزهای هفته قبل، پوسته های پولیس محلی را در دره میدان آماج قرار داده و فاجعه آفریدند.

تصرف و اشغال را داشته باشند. این صورت، پس از نظم و مستقالبایی که دولت ها همه متحد به حرمت نهادن به سرزمین و تمامیت ارضی و نیز حاکمیت ملی همدیگر شده اند، کاربرد واژه دفاع بیشتر منطقی می نماید تا جنگ. یعنی سازمان نظامی کلان به نام ارتش ملی در یک کشور، فقط و فقط به منظور دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تشکیل شده است.

آقای معصوم استانکزی، نامزد وزیر وزارت دفاع ملی، برای بار دوم از مجلس نمایندگان رد صلاحیت شده و نتوانست به کرسی این وزارت تکیه زند.

پیش از این آقای شیر محمد کریمی قبل رییس ستاد ارتش ملی نیز نتوانسته بود رای اعتماد نمایندگان مجلس را کسب نماید. در این جا طرح یک نکته خالی از فایده نخواهد بود و آن هم این که برخی از دوستان رسانه ای در گزارش ها و نوشته های تحلیلی خود شان، وزارت دفاع را وزارت جنگ می خوانند. به نظر می رسد که کاربرد این واژه دقیق نیست. وزارت جنگ در چهارچوب ادبیات سیاسی گفته می شود که دولت ها به مرزهای سیاسی و حاکمیت ملی همدیگر احترام قابل نشده و هر آن هوای

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan  
The Leading Independent Voice